

روح القدس و کار او
درس ۵: عطایای روح
دکتر آر. سی. اسپرول

در اولین بخش از مطالعه‌مون درباره‌ی شخص و کار روح القدس، گفتیم که در مقایسه با کل تاریخ کلیسای مسیحی تا این مقطع زمانی، کتاب‌های زیادی در ۵۰ سال اخیر درباره‌ی روح القدس نوشته شده.

و بزرگترین دلیل وفور این نشریات، تأثیر جنبش کاریزماتیکه و بیشترین موضوع تحت بررسی در این کتاب‌ها مربوط به مفهوم تعمید روح القدس که به طور مختصر به اون پرداختیم. اما مهمتر و ضروری‌تر از همه، کل موضوع صحبت به زبان‌ها ست و علاوه بر این مسأله، سؤال گسترده‌تر عطایای روح هست که در عهدجدید برای ما ذکر شدند.

و هر وقت، مثلاً به سؤال صحبت به زبان‌ها می‌رسیم، سؤالات زیادی در این ارتباط، دستیابی به نظر جزمی در رابطه با درک این چیزها رو دشوار می‌کنه. چنین سؤالاتی که آیا تکلم به زبان‌ها ی غیر یا صحبت به زبان‌ها که در کتاب اعمال در توصیف رویدادهای روز پنطیکاست برای ما ثبت شده، همون چیزیه که پولس در نامه‌اش به اول قرن‌تیا در موردش صحبت می‌کنه؟ آیا صحبت به زبان‌ها در کلیسای قرن‌تیا، همون چیزی هست که در پنطیکاست اتفاق افتاد؟

فرضیه‌ی ضمنی اکثر افراد اینه که اینها یکی و یکسان هستند، اما بعضی محققان در تحقیق در این زمینه نشون دادند که شاید حداقل در پنطیکاست، معجزه تا حد زیادی به صحبت به زبان‌ها مربوط نمی‌شد، بلکه به شنیدن اون مربوط بود. یعنی این معجزه‌ی ترجمه بود. این افراد از پیشینه و مناطق و الگوهای گفتاری متفاوت تونستند سخنان یهودیانی رو که اونجا جمع شده بودند، درک کنند. و کتاب مقدس به صراحت درباره‌ی این سؤال صحبت نمی‌کنه، پس این به عنوان حدس و گمان باقی می‌مونه.

سؤال دوم که به زبان‌ها مربوط میشه، به طور خاص اینه که آیا خدا می‌خواست این پدیده‌ای که در قرن یکم اتفاق افتاد، در سراسر تاریخ مسیحی ادامه پیدا کنه و یکی از مشکلاتی که در این مقطع باهاش مواجه می‌شیم، نشانه‌ی بسیار پراکنده‌ی تداوم ظهور زبان‌ها از قرن یکم تا قرن بیستم هست.

اگه به شرح وقایع سالیانه‌ی تاریخ کلیسا نگاه کنیم، سکوت عمیقی رو در مورد این موضوع می‌بینیم. پس بعضی از افراد استدلال کردند که این از لحاظ ارزش آخرت‌شناسی، ایده‌ی باران اول و باران آخر رو دنبال می‌کنه، یعنی نزول اول روح القدس با فرو ریختن روح در قرن یکم نشون داده شده و حالا این بیداری جدید صحبت به زبان‌ها، نشون‌دهنده‌ی باران آخر به عنوان منادی لحظات آخر تاریخ فدییه پیش از بازگشت مسیحه.

این سؤال دیگه‌ای در رابطه با زبان‌ها ست. شاید حتی سؤال مهم‌تر درباره‌ی زبان‌ها، اینه که آیا قدرت صحبت به زبان‌ها در جماعت قرن‌تین، معجزه آسا بود؟ و اگه اینطور بود، آیا صحبت به زبان‌ها که امروز گزارش شده، همونقدر معجزه‌آساست؟ و دوباره این سؤال دیگه‌ای در همین رابطه هست.

اما البته که بزرگترین سؤال که مردم باهاش مواجه میشن، اینه که آیا صحبت به زبان‌ها که امروز درباره‌ی اون می‌شنویم، همون چیزی هست که در کلیسای قرن‌تین اتفاق افتاد؟ یا یک توانایی طبیعی هست که مردم باید به طور غیرقابل درک، تحت تأثیر روح‌القدس صحبت کنند.

و دوباره این مناظره ادامه داره. و بعد علاوه بر این، همونطور که قبلاً گفتم، این سؤاله که آیا صحبت به زبان‌ها، یک شاخص ضروری برای تعمید شخص در روح‌القدسه؟ خُب، بیایید به این توجه کنیم که عهدجدید درباره‌ی این موضوعات چی میگه.

همونطور که گسترده‌ترین مباحثه‌ی موجود درباره‌ی شخص و کار روح‌القدس، به طور کلی در سخنرانی بالاخانه هست که در انجیل یوحنا باب‌های ۱۴، ۱۵، ۱۶ و ۱۷ ثبت شده؛ طولانی‌ترین سخنرانی که درباره‌ی عطایای روح می‌تونیم پیدا کنیم، در اولین نامه‌ی پولس به قرن‌تین در باب‌های ۱۲، ۱۳ و ۱۴ هست.

من این رو گفتم که به طور گذرا توجه کنید که یکی از معروف‌ترین باب‌های کل کتاب مقدس، اول قرن‌تین ۱۳ هست که "باب محبت" می‌نامیم، اما باید درک کنیم که پیش زمینه‌ی سخنرانی پولس درباره‌ی برتری محبت، در میان صحبت او درباره‌ی نقش عطایای روحانی هست.

توجه کنید که چطور اول قرن‌تین ۱۳ آغاز میشه: "اگر به زبان‌های مردم و فرشتگان سخن گویم و محبت نداشته باشم،" و الی آخر. پس این بخشی از سخنرانی وسیع‌تریه که در باب ۱۲ شروع میشه. پولس در اول قرن‌تین باب ۱۲ آیه‌ی ۱ با بیان این کلمات آغاز می‌کنه: "اما درباره عطایای روحانی، ای برادران نمی‌خواهم شما بی‌خبر باشید."

این اولین بیان رسالتی در اینجاست که مشتاقه که قوم خدا درباره‌ی این چیزها آگاهی داشته باشند و طوری با عطایای روح برخورد نکنند که نشون‌دهنده‌ی جهالت باشه. معلومه که وقتی اول قرن‌تین رو می‌خونیم، می‌دونیم که کلیسای قرن‌تین، یکی از مشکل‌سازترین کلیساهایی بود که پولس در خدمتش با اون برخورد کرد.

انواع مشاجرات داخلی و بدرفتاری وجود داشت که باعث شد حداقل دو نامه‌ی رسالتی نوشته بشه که به طور گسترده به عنوان توبیخ و نصیحت برای اصلاح قوم از سوء استفاده از عطایایی بود که دریافت کرده بودند. و برای من جالبه که اگه به پایان قرن یکم مراجعه کنید و نامه‌ی کِلِمنت به جماعت قرن‌تین رو بخونید، کلمنت، در اواخر قرن، اسقف روم بود و به خاطر تداوم این مشکلات در جماعت قرن‌تین کلافه شده بود.

و در نامه‌اش به قرن‌تیان، دستورالعمل اولیه‌ی رسالتی رو که از پولس دریافت کرده بودند، یادآوری می‌کند. اما پولس میگه امیدوار و مشتاقه که مردم بی‌خبر نباشند. او گفت: "می‌دانید هنگامی که امت‌ها می‌بودید، به سوی بت‌های گنگ برده می‌شدید بطوری که شما را می‌بردند.

پس شما را خبر می‌دهم که هر که متکلم به روح خدا باشد، عیسی را اناتیمای نمی‌گوید و احدی جز به روح‌القدس عیسی را خداوند نمی‌تواند گفت." حالا این اولین بخش از دستورالعملش درباره‌ی عطایاست. "خدمات‌ها انواع است اما خداوند همان. عمل‌ها انواع است لکن همان خدا همه را در همه عمل می‌کند. ولی هر کس را ظهور روح بجهت منفعت عطا می‌شود. زیرا یکی را بوساطت روح، کلام حکمت داده می‌شود و دیگری را کلام علم، بحسب همان روح. و یکی را ایمان به همان روح و دیگری را نعمت‌های شفا دادن به همان روح. و یکی را قوت معجزات و دیگری را نبوت و یکی را تمییز ارواح و دیگری را اقسام زبان‌ها و دیگری را ترجمه زبان‌ها."

حالا اجازه بدید در این مقطع زمانی مکث کنم و بگم دلیلی نداره که باور کنیم وقتی این رسول انواع مختلف عطایای خاص روح رو ذکر می‌کنه، این فهرستی که برای ما فراهم می‌کنه، جامع هست. اینجا نکته‌ی او اینه که عطایای بی‌شماری رو روح به قوم خدا میدده و اونها گوناگون هستند.

پس اولین چیزی که درباره‌ی عطایای روح‌القدس یاد می‌گیریم، اینه که اونها گوناگون هستند. انواع بسیار و گوناگون و متفاوتی از عطایا وجود داره که روح به قومش میدده. و پولس ما رو هدایت می‌کنه که هدف از عطایای روح اینه که کل بدن رو تهذیب کنه.

دوباره، در پیش زمینه‌ی این مبحث عطایای روحانی، پولس بینشی غنی درباره‌ی ماهیت کلیسایی که مسیح برپا کرده، به ما میدده. اینکه او یک کلیسا ساخته؛ به منظور تهذیب و تقویت کل بدن، این عطایای روح‌القدس رو به کلیسایش عطا کرده.

حالا او در آیه‌ی ۱۲ ادامه میدده: "زیرا چنانکه بدن یک است و اعضای متعدد دارد و تمامی اعضای بدن اگرچه بسیار است یک‌تن می‌باشد، همچنین مسیح نیز می‌باشد. زیرا که جمیع ما به یک روح در یک بدن تعمید یافتیم، خواه یهود، خواه یونانی، خواه غلام، خواه آزاد و همه از یک روح نوشانیده شدیم."

این بخشی از اطلاعات آموزنده درباره‌ی تعمید روح‌القدسه که قبلاً ذکر کردم، موضوعی که پولس اینجا مطرح می‌کنه، اینه که همه‌ی اعضای کلیسای خدا، یهود و غیریهود، توسط روح‌القدس برای خدمت قدرت یافتند. می‌تونم اضافه کنم که این متن، بخشی از ریشه‌های اصل اصلاحاته که برای مارتین لوتر در رابطه با کهنات همه‌ی ایمانداران خیلی مهم بود.

این مفهومی هست که غالباً مورد سوء تفاهم قرار گرفته. خیلی از افراد فکر می‌کنند که لوتر تلاش کرد از دست روحانیون خلاص بشه. اما اصلاً اینطور نیست. او می‌گفت اگرچه افرادی در مقام کشیشی یا شماسی یا مشایخ یا

مقام‌های دیگر هستند که در عهدجدید ذکر شده، اما لوثر می‌گفت، خدمت کلیسای مسیح، به تعدادی از افراد حرفه‌ای محدود نمی‌شه.

بلکه کل بدن توسط خدای روح‌القدس تجهیز شده که در مأموریت کلیسا شرکت کنه. پس به نظرم، بی‌اهمیت نیست که وقتی پولس درباره‌ی عطایای روح صحبت می‌کنه، در زمینه‌ی کلیسا این کار رو می‌کنه و استعاره‌ی کلیسا رو به عنوان بدن مسیح دنبال می‌کنه، چون کلیسا یک اندام هست که سازمانده‌ی شده و مثل بدن انسان، بخش‌های گوناگون داره.

و پولس تلاش می‌کنه بعداً این نکته رو در مباحثه توضیح بده جایی که میگه هر بخشی از بدن مسیح، تکلیف خاصی رو اجرا می‌کنه و توانایی یافته که مأموریت کامل کلیسا رو انجام بده، همونطور که هر عضو جداگانه‌ی بدن انسان، عملکرد مشخصی داره که در جهت سلامتی کل بدن عمل می‌کنه.

در آیه‌ی ۱۵ میگه، در واقع آیه‌ی ۱۴: "زیرا بدن یک عضو نیست بلکه بسیار است. اگر پا گوید چونکه دست نیستم از بدن نمی‌باشم، آیا بدین سبب از بدن نیست؟ و اگر گوش گوید چونکه چشم نیم از بدن نیستم، آیا بدین سبب از بدن نیست؟ اگر تمام بدن چشم بودی، کجا می‌بود شنیدن؟"

حالا اینجا پولس از قالب استدلال قدیمی استفاده می‌کنه که اسمش استدلال "رداکشیو آد آبسوردیم" هست، که استدلال مردم رو به نتیجه‌گیری منطقی‌شون می‌رسونه و نشون میده که این نتایج باطله. و دوباره، به افرادی اشاره می‌کنه که می‌خوان عطیه‌ی زبان‌ها رو پایان و نهایت همه چیز و آزمون برتر روحانیت در زندگی کلیسا بدونند.

این چیزی بود که در قرن‌تس اتفاق می‌افتاد. و پولس میگه: "اگه می‌خواید زبان‌ها رو تنها عطیه‌ی مهم بدونید، مثل اینه که بگید کل بدن باید چشم باشه. و این بینایی ما رو دقیق می‌کرد، اما همزمان کر و لال هم بودیم. پس پولس سعی می‌کنه حماقت این نوع تفکر رو نشون بده.

"اگر همه شنیدن بودی کجا می‌بود بوییدن؟ لکن الحال خدا هریک از اعضا را در بدن نهاد برحسب اراده خود." و بعد در آیه‌ی ۲۷ ادامه میده: "اما شما بدن مسیح هستید و فرد اعضای آن می‌باشید. و خدا قرارداد بعضی را در کلیسا: اول رسولان، دوم انبیا، سوم معلمان، بعد قوات، پس نعمت‌های شفا دادن و اعانات و تدابیر و اقسام زبان‌ها."

حالا مهمه که زبان‌ها، در آخر این فهرست ذکر شده و رسولان در ابتدا ذکر شدند، چون می‌دونیم که مقام رسالت در عهدجدید، مقام اصلی یا مهم در عملکرد اقتدار هست. پس او این سؤال بدیهی رو می‌پرسه که "آیا همه رسول هستند؟" و اینجا تنها پاسخی که میشه بر اساس ساختار زبان یونانی داد، "خیر" هست. "آیا همه نبی هستند؟"

و پاسخ باید "خیر" باشد. "آیا همه معلم هستند؟" دوباره پاسخ باید "خیر" باشد. "آیا همه قوات یا انجام دهندگان معجزه هستند؟" دوباره پاسخ از لحاظ دستور زبان باید "خیر" باشد. "آیا همه عطایای شفا دارند؟ آیا همه به زبان‌ها صحبت می‌کنند؟" و اینجا ساختار زبان یونانی، وقتی سؤال بدیهی پرسیده میشه، در این قالب به ما میگه پاسخ سؤال بدیهی باید چی باشه.

و وقتی میگه: "آیا همه به زبان‌ها صحبت می‌کنند؟" پاسخ "خیر" هست. پس اولین چیز، این تعلیم رسالتی هست که همه در بدن مسیح عطایای زبان‌ها رو ندارند، اگرچه پولس بعداً اشتیاق رسولیش رو بیان می‌کنه، دوباره بر اساس استدلال "آد هامینم" میگه: "ای کاش همه به زبان‌ها صحبت می‌کردند، اما این برخلاف بیانیه‌ی اوست، البته که همه به زبان‌ها صحبت نمی‌کنند یا همه نباید به زبان‌ها صحبت کنند.

او میگه: "لکن نعمت‌های بهتر را به غیرت بطلبید و طریق افضل‌تر نیز به شما نشان می‌دهم." حالا این کلمات رو بشنوید: "لکن نعمت‌های بهتر را به غیرت بطلبید و طریق افضل‌تر نیز به شما نشان می‌دهم." اینها کلماتی هستند که بلافاصله بعد از این جمله میاد، "اگر به زبان‌های مردم و فرشتگان سخن گویم و محبت نداشته باشم، مثل نحاس صدادهنده و سنج فغان کننده شده‌ام" و الی آخر.

اینجا پولس رسول با وضوح بسیار زیاد میگه عطیه‌ی محبت برای قوم خدا، مهمتر از این عطایای چشمگیرتره. در آیه‌ی ۸ باب ۱۳: "محبت هرگز ساقط نمی‌شود و اما اگر نبوت‌ها باشد، نیست خواهد شد و اگر زبان‌ها، انتها خواهد پذیرفت و اگر علم، زایل خواهد گردید." و الی آخر. بعد در باب ۱۴، اصل مطلب دستورالعملش رو درک می‌کنیم.

"در پی محبت بکوشید و عطایای روحانی را به غیرت بطلبید، خصوص اینکه نبوت کنید." حالا اینجا باید توضیح بدم. دوباره سؤال اینه که منظور رسول از عطیه‌ی نبوت چیه. و او مردم رو تشویق می‌کنه که نبوت کنند. آیا اصطلاح نبوت رو به طور خاص به عنوان نماینده‌ی مکاشفه استفاده می‌کنه، مانند انبیای عهدعتیق یا رسولان عهدجدید؟

فکر نمی‌کنم؛ و به نظرم، اکثر مفسران عهدجدید موافقند که اینجا وقتی پولس مردم رو تشویق به نبوت می‌کنه، منظورش اینه که بتونند به وضوح سخن بگن و حقیقت خدا رو به طور شفاهی بیان کنند، یعنی وقتی واعظ موعظه می‌کنه، وقتی مسیحی درباره‌ی ایمانش شهادت میده و ایمانش رو اعلام می‌کنه، این یک عمل نبوتی هست. نه از لحاظ سخن گفتن به عنوان نویسنده‌ی کتاب مقدس یا بیان مکاشفه‌ی جدید به جماعت خدا، مانند انبیای عهدعتیق.

یا آیا حتی مرجع اساسی برای پیشگویی آینده داره؟ ما بین عطیه‌ی نبوت در عهدعتیق هم تمایز قائل می‌شیم، بین پیشگویی و از پیش اعلام کردن، تفاوت قائل می‌شیم و تأکید اساسی بر پیشگویی آینده نیست، بلکه پیشاپیش حقیقت خدا رو اعلام کنید.

و من معتقدم که پولس مردم رو تشویق می‌کرد که بتونند این کار رو انجام بدن. در آیه‌ی ۲ میگه: "زیرا کسیکه به زبانی سخن می‌گوید، نه به مردم بلکه به خدا می‌گوید."

دوباره، دلیل دیگه برای اینکه بعضی از افراد فکر می‌کنند اینجا اتفاقات قرن‌تس با پنطیکاست فرق داره، اینه که اینجا ظاهراً میگه صحبت به زبان‌ها یک نوع دعاست. "زیرا کسیکه به زبانی سخن می‌گوید، نه به مردم بلکه به خدا می‌گوید، زیراهیچکس نمی‌فهمد لیکن در روح به اسرار تکلم می‌نماید."

اما آنکه نبوت می‌کند، مردم را برای بنا و نصیحت و تسلی می‌گوید. هرکه به زبانی می‌گوید، خود را بنا می‌کند، اما آنکه نبوت می‌نماید، کلیسا را بنا می‌کند. و خواهش دارم که همه شما به زبان‌ها تکلم کنید، لکن بیشتر اینکه نبوت نمایید زیرا کسیکه نبوت کند بهتر است از کسیکه به زبان‌ها حرف زند، مگر آنکه ترجمه کند تا کلیسا بنا شود. "او در آیه‌ی ۶ ادامه میدهد: "اما الحال ای برادران اگر نزد شما آییم و به زبان‌ها سخن رانیم، شما را چه سود می‌بخشم؟ مگر آنکه شما را به مکاشفه یا به معرفت یا به نبوت یا به تعلیم گویم." به عبارت دیگه، بدون بیان محتوای واضح حقیقت خدا به مردم، این برای قوم خدا هیچ فایده‌ای نداره. پس مشکل زبان‌ها در آن زمان و الان اینه که غیر قابل درکه.

که باعث میشه خیلی از محققان عهدجدید معتقد باشند که پدیده‌ی معاصر زبان‌ها، توانایی انسان در صدا درآوردن یا بیان حرف‌هایی در حالت خلسه و تحت تأثیر روح‌القدس، این انکار نمی‌کنه که مردم در انجام این عمل، با روح‌القدس ارتباط برقرار می‌کنند. اما قضیه اینه که انجام این کار نیازمند توانایی معجزه آسا نیست.

یکی از مشکلاتی که با پدیده‌ی زبان‌ها در دوران خودمون مواجه می‌شیم، اینه که گزارش‌های متعددی درباره‌ی این عمل در بین مذاهب بت‌پرستان و غیرمسیحیان هست. گروه‌های غیرمسیحی دیگه، مثلاً آیین‌هایی همچون مورمون‌ها و افرادی از این نوع که الوهیت مسیح رو انکار می‌کنند، ولی ادعا می‌کنند که از این توانایی برخوردارند و در گزارشات‌شون درباره‌ی این تکلم، بین کار اون‌ها و مسیحیان در دعاشون تحت تأثیر روح‌القدس، هیچ فرق مشخصی نیست.

حالا دوباره پولس ادامه داده و دستورالعمل‌های دقیقی میده که عطیه‌ی زبان‌ها باید در کلیسای اولیه چطوری استفاده بشه. و تأکیدش بر نظمه، نه بی‌نظمی، و اینکه زبان‌ها نباید در کلیسا اختلال ایجاد کنه، مگر اینکه تفسیر بشه، کسی که بتونه اون رو قابل درک کنه. و حساسیت زیادی بر این موضوع هست که اگه کسی که ایماندار نیست، وارد جلسه‌ی اون‌ها بشه، نمی‌فهمه که چه خبره.

به هر حال، به طور خلاصه، پولس رسول نمی‌گه زبان‌ها بده و نبوت خوبه، یا زبان‌ها بده و محبت خوبه. تمایزی که او قائل میشه، بین خوب و بد نیست، بلکه بین خوب و بهتره. زبان‌ها خوبه، اما نبوت بهتره.

شما می‌خواید به زبان‌ها دعا کنید؟ خوبه. اما برای تهذیب کلیسا مشتاق عطایای بهتری روح باشید. پس امروز هشدار بزرگ برای ما و اصل مطلب اینه که ما این عطیه‌ی خاص رو ستایش نمی‌کنیم، حتی اگه همون چیزی باشه که در جماعت قرن‌تیاں اتفاق افتاد، چنانکه اون رو به نوعی نشانه‌ی روحانیت برتر یا قدرت خاص خدا می‌دونستند.